

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام عالم بزرگوار، شیخ عطاء ابن خلیل ابوالرشته «امیر حزب التحریر»، به مناسبت یادبود از 99 همین سالروز سقوط دولت خلافت!

(ترجمه)

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه وبعد:

به امت اسلامی به طور عام؛ امتی که الله سبحانه و تعالی بهترینی امتها قلم دادش نموده است و به شباب حزب التحریر به طور خاص؛ همان کسانی که با حمل دعوت اسلامی به گونه صادقانه و مخلصانه، الله سبحانه و تعالی برای شان عزت بخشیده است، و به بازدیدکنندگان صفحه که با شور و اشتیاق آن را دنبال می کنند! به همه ای این ها:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

در چنین روزی 99 سال قبل، جنایت پیشه زمان، مصطفی کمال خلافت را ملغا اعلان کرد. هرچند این مانند روز روشن و با دلائل بسیار، ثابت بود که از بین بردن دولت خلافت کفر بواح و لغو حاکمیت اسلام است و نظر به حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که بخاری و مسلم آن را روایت نمودند؛ باید با مرتکب آن رویاروی با شمشیر (برخورد مسلحانه) صورت می گرفت. جناده ابن ابی امیه می گوید: ما در حالی بر عبادہ ابن صامت وارد شدیم که او بیمار بود؛ برایش گفتیم: الله حالتات را بهبود دهد؛ برای مان از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثی را بیان کن؛ الله سبحانه و تعالی با شنیدن آن از پیامبر صلی الله علیه وسلم به تو سود رسانده است! عبادہ ابن صامت گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم از ما خواست که با او بیعت کنیم و ما با او بیعت کردیم. در چیزی های که از ما بیعت گرفت، این ها بود:

«أَنْ بَايَعَنَا عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي مَنْشَطِنَا وَمَكْرَهِنَا، وَعُسْرِنَا وَيُسْرِنَا، وَأَثَرَةٍ عَلَيْنَا، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ»

ترجمه: این که بر شنیدن و فرمان بردن در خوشی و ناخوشی، سختی و آسانی و در حالت ترجیح دیگران بر ما بیعت نماییم و با فرمان داران پرخاش و منازعه نماییم؛ مگر این که از آن ها کفر واضح و آشکاری را مشاهده نماییم که در نزد الله (سبحانه و تعالی) حجتی داشته باشیم.

پس واجب آن بود که در هنگام سقوط خلافت با او (مصطفی کمال) برخورد مسلحانه صورت می گرفت و قربانی داده می شد؛ هرچند این قربانی گزاف و گران می بود. اما آن طاغوت آن چه را که سزوارش بود و باید از بیخ و بُن برکنده می شد، از جانب امت ندید. از آن به بعد تاریخ بهترینی امتها که برای دعوت انسانیت بیرون کرده شده، به تیره گی گرایید. امتی که روزگاری صاحب دولت واحد خلافت بود که با جانب داری از حق و عدالت جهان از او می ترسید. اما امروز بیش تر از پنجاه پارچه شده است و هریک با سهم و حصه خود نسبت به دیگرش دشمنی دارد؛ بالای شان کسی مسلط شده که بر آن ها رحم ندارد و امورشان را سرپرستی نمی کند. فقط این نیست؛ بلکه امورشان بر حکام و فرماندهان احمق، اجیران کفار و سرسپردگان استعمار سپرده شده و دارایی های شان چرخه اقتصاد دشمنان دین الله را به گردش درآورده است.

در حالی که اقتصاد خود این سرزمین ها و اهل آن به یغما برده شده، ورشکسته شده است، اهل این سرزمین ها از آن نفع برده نمی توانند و حال شان این گونه است: «مانند شتری که در صحرای خشک بر پشت اش آب بار کرده شده و از تشنگی از بین

می‌رود». این همه زیر چشم و گوش این احمق‌ها اتفاق می‌افتد... فقر در میان مردم به جز حکام و اطرافیان‌شان گسترش یافته؛ حکامی که مزد خوش‌خدمتی خود را با ذلت و خواری از باداران استعمارگرشان بدست می‌آورند و با این کارشان به الله و رسول خیانت می‌ورزند و تلاش می‌نمایند تا مردم را از راه الله عزیز و حکیم باز دارند.

ای مسلمانان! خلافت قضیه سرنوشت‌ساز مسلمانان است؛ توسط آن حدود اجراء می‌شود، حرمت‌ها نگاه می‌شود، زمینه فتوحات مساعد می‌شود و اسلام و مسلمان‌ها عزت می‌یابند. این همه در کتاب الله غالب و باحکمت، سنت پیامبرش و اجماع اصحاب پیامبرش صلی الله علیه وسلم وارد شده است. کافی ست مسلمان در امور سه‌گانه ذیل تدبر نمایند تا بدانند که فرضیت خلافت چقدر بزرگ است:

یکم: این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم که طبرانی در معجم الکبیر از عاصم و او از ابوصالح و او از معاویه رضی الله عنه روایت نموده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌گفت:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: هرکس در حالی بمیرد که در گردنش بیعتی نباشد؛ به مرگ جاهلیت مرده است.

این دلیلی ست بر بزرگی گناه مسلمان توان‌مندی که برای موجودیت خلیفه‌ای که با وی بیعت نماید، کار و فعالیت نمی‌کند. یعنی این دلیلی ست که باید به صورت حتمی و الزامی خلیفه‌ای وجود داشته باشد تا با او بیعت صورت گیرد.

دوم: مشغول شدن اصحاب پیامبر بر برپایی خلافت و نصب خلیفه قبل از دفن پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ در حالی که عجله در دفن میت امری ست که در نصوص شرعی از آن یاد شده است. در معرفة السنن و الآثار از بیهقی آمده است: «شافعی پیرامون روایت ابو سعید گفته است: پسندیده‌ترین عجله دفن میت است؛ هنگامی که مرگ آن تثبیت گردد.» این نسبت به هر میتی است؛ اما وقتی که میت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد؛ چگونه است! با وجود این که میت رسول الله صلی الله علیه وسلم بود؛ اصحاب بیعت با خلیفه را بر دفن پیامبر مقدم کردند و این بیان‌گر اجماع صحابه بر اقامه خلافت است که دفن رسول الله صلی الله علیه وسلم را تأخیر و مشغول نصب خلیفه گردیدند.

سوم: حضرت عمر رضی الله عنه در روز وفاتش برای انتخاب خلیفه از شش تنی که به بهشت مرده داده شده‌اند؛ ضرب الاجل سه‌روزه تعیین کرد و وصیت کرد که اگر در جریان سه‌روز بر نصب خلیفه اتفاق نکردند؛ بعد از روز سوم شخص مخالف کشته شود و پنجاه تن از مسلمان‌ها را برای تنفیذ این امر مسئولیت داد. یعنی برای کشتن شخص مخالف، با وجود آن که آن‌ها به بهشت بشارت داده شده، از اهل شورای حل و عقد و از بزرگان صحابه بودند. این کار در پیش چشم‌وگوش صحابه انجام گرفت و این که کسی با این کار مخالفت ورزیده و یا این امر را ناپسند دانسته باشد، چیزی روایت نشده است. این هم دلالت بر این دارد که برای مسلمان‌ها درست نیست که بیش‌تر از سه شبانه روز را بدون خلیفه سپری نمایند. اما امروز بر ما "مجموعه‌ای از سه‌ها" گذشته است!! لا حول ولا قوة إلا بالله! پس ای مسلمان‌ها خلافت امر بسا بزرگ و بزرگ و قضیه سرنوشت‌ساز مسلمانان است.

ای مسلمانان! با این همه ما از رحمت الله سبحانه و تعالی ناامید نیستیم. ﴿إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ [یوسف: 87]. چرا که از رحمت الله جز کافران ناامید نمی‌گردند. آن‌هم در حالی که الله سبحانه و تعالی خلافت زمین را برای مؤمنینی که عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستم‌گر) قبل از خود کرده است.

هم‌چنان پیامبر صلی الله علیه وسلم بر بازگشت خلافت بر منهج نبوت، پس از پایان دوره حکم دیکتاتورها - که ما در آن قرار داریم - خبر داده است: «ثم تكون خلافة علد منهج النبوة»؛ یعنی: پس از آن خلافت بر منهج نبوت خواهد بود. این حدیث را احمد به روایت نعمان ابن بشیر تخریج نموده است.

اما آن‌چه را که قبلاً گفتیم، بازهم تکرار می‌نماییم و تأکید می‌کنیم که بی‌گمان الله قدرت‌مند و غالب است و در صورتی که ما دینش را نصرت دهیم، نصرت‌مان خواهد کرد و آن این که از جمله فعالین صادق و مخلص این امر باشیم. سنت الله بر این بوده که از آسمان ملک پایین نشود تا به نیابت از ما برای برپایی خلافت کار کند و ما بر کوچ‌ها تکیه زده بنشینیم! بلکه الله اگر بخواهد ملائک را برای همکاری ما خواهد فرستاد؛ در صورتی که ما عملاً فعالیت نماییم. وعده الله در هر نصرت و پیروزی این‌گونه بوده؛ برابرست که این وعده در برپایی خلافت بوده باشد و یا در فتح و نصرتی که در جنگ راه الله وعده داده شده است.

ما حمد و ستایش الله سبحانه و تعالی را بیان می‌کنیم که این امت را با برپایی حزب التحریر عزت بخشید؛ حزبی که خودش را وقف کار برای بازگشت زنده‌گی اسلامی با برپایی خلافت راشد نموده است. این حزب به‌راستی رهبریتی است که به اهلش دروغ نمی‌گوید. حزبی است که اصالت و خوش‌بویی‌اش روشن شده و هرآن‌که توان پاکی و بوی خوش‌اش را ندارد، از آن دور می‌شود و می‌افتد. ما این حزب را این‌گونه می‌پنداریم و همه‌ای شباب‌اش را قاطع، باعزم و فعالین مخلص می‌پنداریم؛ کسانی که به‌سوی آخرت به مراتب بالاتر از دنیا می‌نگرند و شب‌شان را با امید به رحمت الله و تحقق وعده او و بشارت پیامرش روز می‌کنند و این بر الله دشوار نیست.

در پایان، فرضیت برپایی خلافت تنها بالای شباب حزب التحریر نیست؛ بل بالای هر مسلمانی که بر این امر توان‌مندی دارد، فرض است. پس ای مسلمانان! بازوی‌مان دهید و ای سپاهیان مسلمان! نصرت‌مان کنید و سیرت و سنت انصار را زنده کنید؛ هنگامی که دین الله را نصرت دادند! الله سبحانه و تعالی آن‌ها را برادر و همسان مهاجرین خواند، از آن‌ها ستایش نموده، تمجیدشان کرد و در کتاب محکم‌اش از آن‌ها بدون قید اعلان رضایت نمود؛ اما یک قید گذاشت و آن قید متابعت با احسان است:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [توبه: 100]

ترجمه: پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله از آنان خوشنود است و ایشان هم از الله خوشنودند و الله برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخ‌های) آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آن جا می‌مانند. این است پیروزی بزرگ و رسنگاری سترگ!

از جهت بزرگ بودن اجر و فضیلت نصرت دین الله و برپایی خلافت است که حتی ملائک جنازه سعد ابن معاذ را از برای نصرت نمودن دین الله حمل نمودند. چنان‌چه حاکم در المستدرک علی الصحیحین روایت نموده است.

و در پایانِ پایان، هرآن که فعالیت برای برپایی خلافت را قبل از برپا شدنش نصرت و یاری دهد؛ پاداشش به مراتب بزرگ و بزرگ‌تر نسبت به کسی است که بعد از برپایی آن را نصرت و یاری دهد: ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [حدید: 10]

ترجمه: کسانی از شما که پیش از فتح بخشیده‌اند و جنگیده‌اند، برابر و یکسان نیستند. آنان درجه و مقام‌شان فراتر و برتر از درجه و مقام کسانی است که بعد از فتح بذل و بخشش نموده‌اند و جنگیده‌اند. اما به هر حال، الله به همه، وعده پاداش نیکو می‌دهد و او آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید!

و ما از الله سبحانه و تعالی عاجزانه می‌خواهیم که این یادبود (یادبود 99مین سالروز سقوط خلافت) پیش زمینه‌ای برای نصرت بزرگ باشد، قبل از این که ما از 100مین سالروز یادبود به عمل آوریم، و پس از آن خلافت راشده از نو بر جهان نورافشانی خواهد کرد.

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 5]

ترجمه: در آن روز مؤمنان از یاری الله شادمان می‌شوند. الله هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد و او بس چیره و بسیار مهربان است!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

برادرتان عطاء ابن خلیل ابوالرشته-امیر حزب التحریر

دوشنبه 28 رجب 1441ه.ق

موافق به 23 مارچ 2020م